



نگهداری می شوند، از تاراج جان به در برند. در گذشته، در بسیاری موارد، زیر عنوان نوسازی گورها و در هنگام تخریب گورستانهای قدیمی، بسیاری اشیاء با ارزش ربوده شده و به کلکسیونهای عمومی یا خصوصی خارجی منتقل شده اند. سنگ سیاه آرامگاه شیخ نعمت الله ولی، در ماهان کرمان هم ظاهراً در چنین تغییر و تحول و نوسازی به بیریتش میوزیوم، انگلستان انتقال یافته است.

مجموعه گورستان و زیارتگاه امامزاده عبدالله در شهر ری، در ضلع غربی خیابان فداییان اسلام، چند صد متر بالاتر از میدان حرم واقع شده است. بنای اصلی مقبره متعلق به دوره صفوی (۱۲۲۲ ه.ق) است که در دوره های بعد دستخوش تغییرات فراوان شده و ساختمان فعلی متعلق به دوره سلطنت پهلوی است. گورستان بزرگی که به شکل و شمایل شهری کوچک مقبره امامزاده عبدالله را احاطه کرده، جایی از تمایل قدیمی مسلمانان و بخصوص ایرانیانی است که بسیاری از گورستانها را در کنار امامزاده ها و زیارتگاه ها می ساخته اند. در ایران نمونه های بسیاری از این مجموعه های گورستان - زیارتگاه وجود دارد.

هم اینک شهرداری تهران طرحی زیر عنوان «شهر سالم» را در شهر ری در دست تهیه و اجرا دارد و ظاهراً به همین دلیل تخریب گورستانهای قدیمی امامزاده عبدالله و ابن بابویه در دستور کار قرار گرفته است. اقدامهای تخریب همزمان با مرمت بنای مقبره های امامزاده عبدالله و ابن بابویه آغاز شده است. با عملی شدن این طرح، آخرین بازمانده های گورستانهای قدیمی تهران از بین می روند، و یک بار دیگر این پرسش که در مورد بسیاری از ابنیه، فضاها و بافتهای قدیمی پس از نابودی آنها طرح شده، مطرح می شود: آیا برآستی هیچ راهی برای حفظ نمونه هایی از این گونه فضاها نیست؟ فضاهاهی که شاید دیگر یاسخگوی نیازهای عملی نباشند، اما به دلیل ویژگیهایی که احتمالاً دیگر هیچگاه به این شکل تکرار نخواهند شد، تبلور و تجسم نوعی طرز تلقی خاص از زندگی و مرگ، و سنتهای ملی و مذهبی کهن سرزمین ما هستند، و روشی خاص و منحصر به فرد را از فضا سازی گورستان و زیارتگاه به نمایش می گذارند؟

در ایران گورستانهای عادی را عموماً در خارج از شهر می ساختند. این گورستانها طبعاً با رشد سریع شهرها بخصوص در تیم قرن گذشته، اغلب به موانع رشد سرطان گونه شهر تبدیل می شدند. شهر تهران نیز مانند شهرهای دیگر در روند رشد خود گورستانهای متعدد، از جمله گورستان قدیمی واقع در محل پارک شهر را بلعیده است. در شرایط تخریب سامانه بی حصارها، بافتهای مسکونی، بازارهای تاریخی، برای احداث خیابانها و کاربریهای جدید، طبعاً گورستانها نمی توانسته اند از این سرنوشت بگریزند، و آنچنان که در اروپا متداول است، به مکانهای تاریخی یا کاربری فرهنگی، توریستی - گردشگاهی تبدیل شوند یا دست کم سنگ قبرهای با ارزش حجاری شده قدیمی آنها که در اروپا به دقت در موزه ها - گنجینه ها -

حفظ میراث فرهنگی و پیوند ماندگار، با

کوچه نه چندان عرضی و بسیار کوتاه (حدود ۲۰ متر) آن را به خیابان متصل می کند. با اینهمه از بیرون نمی توان آن را دید یا حتی نزدیکش را احساس کرد. شکل و نوع کاربریهای موجود در دو سوی کوچه: میوه فروشی، فروشگاه لوازم منزل، پرند فروشی، قنادی یا خواربارفروشی... هم کمکی به جست وجو نمی کنند، باید نشانی را دانست و کوچه را یافت. پس از ورود به کوچه است که نشانه های هدایت کننده را می توان یافت: یک گلفروشی عرضه کننده گل به سوکوران و حلقه های بزرگ گل در مقابل گلفروشی، بعد سنگتراشیها و حجاریها و فروشنده بی که ظروف سفالی می فروشد، یادآور گوزه های سخنگوی خیام، و سرانجام مقبره های کوچک خانوادگی به شکل خانه های

کوچه تقریباً هم شکل آجری با حیاطهایی در جلو. این کوچه به سردر زیارتگاه و گورستان - که دیگر نیست و در پس اقدامهای اخیر شهرداری به گوشه بی افکنده شده است - منتهی می شود. با این همه باز هم نحوه استقرار بقعه و گورستان چنان است که در نگاه نخست خودبه خود به چشم نمی آید و باید آن را یافت. درواقع این مجموعه نیز واجد آن خصوصیت ویژه ایرانی است: رو به درون دارد و پنهان است. بیشتر در امتداد سردری که دیگر نیست، محور پیاده اصلی محوطه قرار دارد که به شیوه باغهای ایرانی تخت به یک حوض آب و سپس به بقعه امامزاده عبدالله منتهی می شود. این محور از دو سو با گذرگاههای فرعی به محوطه های اطراف متصل می شود.



رهنگی با گذشته‌ها

فضای نامریی غربی - که رنگ و بوی زندگی دارد - پیرامون خود ایجاد کرده‌اند.

در شمال مقبره، پشت ردیف مقبره‌های خانوادگی که رو به بقعه دارند، گذرگاه‌های باریکی به شکل کوچه به حیاط‌های مستطیل شکلی منتهی می‌شوند که از ردیف مقابر خانوادگی، اغلب با سبک و تناسب مشابه، شکل گرفته‌اند. آرامگاه‌های کوچک خانوادگی به ابعاد تقریبی ۲۵ تا ۳۰ مترمربع، همه دارای در و پنجره‌هایی به سبک خانه‌های مسکونی‌اند. بعضی‌ها حتی حیاط کوچکی نیز دارند که در برخی از آنها درختی هم کاشته شده است. عناصر ساختمانی، جرزهای آجری، سردر، طره لب بام و... نیز به تقلید از ابنیه مسکونی و گاه به تقلید از ابنیه مذهبی، ولی در تناسباتی خردتر ساخته شده‌اند. همه چیز فشرده شده و همه عناصر به حداقل کاهش یافته‌اند، و این احساس را القا می‌کنند که زندگی پس از مرگ مشابه زندگی عادی، اما محدودتر و متمرکزتر ادامه می‌یابد.

در چند ساختار کلی مجموعه به دلیل وجود درختها، فقدان محورهای کلی و نظام حیاطها به دشواری قابل درک است، ولی در تمامی گورستان مسیر حرکت مداوم و پیوسته‌یی حفظ شده که تا اندازه‌یی هم هدایت‌کننده است. حیاطها کمابیش مانند حلقه‌های یک زنجیر کنار هم قرار گرفته‌اند و با کوچه‌های باریک و کوتاه از یک گوشه به هم متصل می‌شوند. قرار دادن ورودی‌های کوچک و محدود آن‌هم در یک گوشه حیاط، حس محصوریت و حرکت دورانی دور حیاط را القا می‌کند. فضای در حیاط کاملاً یک درون خلوت است، در درختها و عناصری چون نرده‌ها یا دیرک‌های جایگاه عکس متوفی، گلدانها، سکوها

و جعبه‌آینه‌های کوچک ... همه فضای حیاطها را به زیر فضاها و بسیار خلوت تقسیم می‌کنند که عزاداران می‌توانند در آنها، بدون ایجاد مزاحمت یا مورد مزاحمت قرار گرفتن، به حال خود و با از دست رفتگان خود تنها باشند. این وضعیت بخصوص در حیاط‌های شمالی که درختان بیشتری با نظم و ترتیب خاص و به ردیف کاشته شده‌اند، شرایطی را پدید آورده که در بسیاری مواقع تنها صدای ضربه‌های سنگ بر گورها خبر از وجود دیگری در حیاط می‌دهد.

در مجموع چنین می‌نماید که یکی دیگر از اصول فضاسازی خاص معماری و شهرسازی ایرانی، در این مجموعه هم گویی به شکلی کاملاً غریزی - و غیر قابل فهم - رعایت شده است: تقسیم فضا، به نحوی که جهت حرکت، در عین تغییر و تبدیل فضاها به هم، به شکلی نامحسوس حفظ شود، و در عین بی‌نظمی ظاهری و دگرگونی دایم، در نهایت انتظامی کلی پدید آورد. این انتظام در بخش شمال شرقی که دست نخورده باقی مانده کاملاً محسوس است.

حضور گیاه و درخت به عنوان نماد زندگی و حیات در گورستان بسیار قاطع است. جز درختهای کاج تنومند در دو سوی محور اصلی پیاده که دالان زیبایی را در مقابل بقعه ساخته‌اند، درختان کوتاه قامت بی‌خزان در ردیف میان مزارها یا در نواحی کم درخت‌تر، بر فراز برخی گورها کاشته شده‌اند. گاهی درختچه‌ها در گلدان‌هایی سنگی کاشته شده‌اند که سوره‌یی از قرآن یا متنی درباره در گذشته روی آنها نقش شده است و گاه جعبه‌آینه‌یی حاوی عکس متوفی در میان شاخ و برگ‌های بوته‌ها پنهانند.

گورها طبق سنت اسلامی به صورت عمود بر محور قبله ساخته شده‌اند تا صورت میت رو به قبله قرار گیرد. این جهت خاص که با جهت گورخانه‌ها متفاوت است، ریتم غربی را در حیاطها پدید آورده است. سنگ مزارها متنوع و گونه‌گونند و گاه در میان آنها، نمونه‌های بسیار زیبای حجاری شده نیز یافت می‌شود. گورها یا صحن حیاطها نیز انفرادی، یا خانوادگی‌اند. در یکی از حیاطها محوطه‌یی نیز متعلق به افسران ارتش است که در یک سانه هوایی جان

باخته‌اند. گونه‌گونی و نحوه تجمع گورها به شکلی بازتاب گونه‌گونی و تفاوت‌های میان آدمها است که گویی بر غم غیبت آنها تداوم یافته است.

این گونه‌گونی و تنوع موجب شده است که گورها بالا و پایین و غیرهمسطح باشند. و همین ناهمواری است که انسان را وامی‌دارد هنگام عبور به زیرپای خود بنگرد و بی‌اختیار به شکل سنگها و نوشته‌های روی آنها توجه کند. این جنبه که به ظاهر کاملاً تصادفی شکل گرفته با روحیه گورستان کاملاً همخوانی دارد. در حالی که کف‌سازی محوطه‌های اطراف بقعه به شیوه پارکهای شهری که گورها را به هم پیوسته و سطح یکنواختی ایجاد کرده، با روحیه گورستان مغایرت دارد و موجب شده است تنوع پر راز و رمز سنگهای گونه‌گون مزارها، آجرهای کج و کوله فرش زمین و سبزه‌های دیدنی و شکاف سنگها و آجرها که مانوس‌اشنا، غم‌انگیز، اما زنده‌اند از میان برود. در حیاط‌های شمالی گورستان که هنوز محوطه سیمانی نشده و سنگهای مزارها به همان شکل قدیمی حفظ شده‌اند این احساس القا می‌شود که آنها چون سنگهای سیمانی یک شکل که پیکر آدمی را در هم می‌فشارند، نمی‌گذارند روی زمین را ببینند و احساس کنند، سخت و هراس‌آور نیستند؛ و در آنجا زندگی ادامه می‌یابد، آفتاب برمی‌آید، باران می‌بارد، پرندگان می‌خوانند، غروب می‌شود، شب فرا می‌رسد و مردگان هم دلتنگ می‌شوند.

تصاویر در گذشتگان، گاه تنها، گاه در کنار نزدیکان، گاه در جامه عروسی یا لباس ورزشی افتخارآفرین، همراه با روبانها، مدالها، گل‌های تزئینی، و حتی پرده‌های تور به نشانه حجله‌گامی کوچک برای جوان ناکام این احساس را تشدید می‌کنند؛ و شاید راز جاذبه همین باشد، حفظ زندگی، در جایگاه مرگ، که به شکل باغی یا گل و گیاه و درختان همیشه‌سبز نماد زندگی جاودان پس از مرگ تزیین شده است. و با این همه نشانه‌های نابودی این زندگی نیز در مجموعه گورستان - زیارتگاه امامزاده عبدالله مشهود است: فرسودگی و فراموش‌شدگی که در پنجره‌های شکسته، آجرهای فرورفته و بتاهای قدیمی نمود کرده است.